

The basis of the International Court of Justice's approach to the rules governing the responsibility of non_state actors in international relations (case study: Nicaragua case judgment)

*Mohsen Molaei Fard¹ Dariush Ashrafi*² Alireza Zaheri³*

1. , Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: Mohsenmolaeifard@yahoo.com

2. Assistant professor, Department of International law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*. **Corresponding Author:** Email: Dar.Ashrafi@iauctb.ac.ir

3. Assistant professor, Department of International law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: Ali.Zaheri@iauctb.ac.ir



Publisher:

Shahr-e- Danesh
Research And Study
Institute of Law

Article Type:

Original Research

DOI:

10.48300/JLR.2021.134518

Received:

8 January 2021

Accepted:

6 March 2021

Published:

6 September 2021



S.D.I.L.L.
The SD Institute of Law
Research & Study

A B S T R A C T

Responsibility of the non-state actors in international relations, an international controversy, should be examined and analyzed, given the increasing trend of regional proxy wars. This study has aimed to explain the International Court of Justice's fundamental approach to the rules governing the responsibility of non-state actors in international relations through the Nicaragua case verdict. To examine, effective control was investigated as the principle governing governments' international responsibility concerning the Nicaragua verdict as the basis for the issuance of the International Court of Justice's verdict. Furthermore, the ruling of the former Yugoslavia's Criminal Court, in conflict with the ruling of the court, will be discussed. Finally, the necessity of a change

Copyright & Creative Commons:

© The Author(s). 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



in the approach and the rules governing the international responsibility of governments will be debated. The results obtained from the present study have indicated that the ruling procedure of the court of justice has undergone certain changes after the Nicaragua case of 1989 regarding assignment of the actions of the non-state actors to the supporting government; otherwise, international law would not be responsive to the new legal incidents and questions, rendering it ineffective in serving justice with criteria such as effective control. Thus, to guarantee basic human rights, international law must pay special attention to other numerous progressive criteria, namely overall control; these criteria shall be theorized in this section of the international law. The Nicaragua verdict is based on a realistic theory regarding international relations and international law, which could be cited as a reliable source in its own time. However, nowadays, as idealistic theories regarding basic human rights gain power, it could be claimed that the basis of the issuance of the Nicaragua verdict is not effective in explaining and analyzing the responsibility of the supporting governments and non-state actors in the violation of the humanitarian obligations.

Keywords: International Court of Justice, International responsibility, non_state actors, Nicaragua Case.

Excerpted from the dissertation entitled: “International Responsibility of Governments in Supporting Non-Governmental Entrepreneurs”, Islamic Azad University, Central Tehran Branch - Faculty of Law.

Funding: The author(s) received no financial support (funding, grants, sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article.

Author contributions:

Mohsen Molaei Fard: Conceptualization, Methodology, Formal analysis, Investigation, Resources, Writing - Review & Editing, Writing - Original Draft.

Dariush , Ashrafi: Data Curation, Supervision, Project administration.

Alireza Zaheri: Data Curation, Supervision, Project administration.

Competing interests: The authors declare that they have no competing interests.

Citation:

Molaei Fard, Mohsen, Dariush Ashrafi & Alireza Zaheri, “The basis of the International Court of Justice’s approach to the rules governing the responsibility of non_state actors in international relations (case study: Nicaragua case Judgment)” *Journal of Legal Research* 20, no. 46 (Sep 6, 2021): 303-323.

مبنای رویکرد دیوان دادگستری بین‌المللی به قواعد حاکم بر مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل؛ مطالعه موردی رأی قضیه نیکاراگوئه

محسن مولائی فرد^۱ داریوش اشرفی^{۲*} علیرضا ظاهری^۳

۱. دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Mohsenmolaeifard@yahoo.com
۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
* نویسنده مسئول: Email: Dar.Ashrafi@iauctb.ac.ir
۳. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Ali.Zaheri@iauctb.ac.ir

چکیده:

مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل از موضوعات محل اختلاف بین‌المللی است که با روند فزاینده جنگ‌های نیابتی منطقه‌ای، تبیین و تحلیل آن امری ضروری است. هدف مقاله حاضر تبیین مبنای رویکرد دیوان به قواعد حاکم بر مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل با تبیین رأی قضیه نیکاراگوئه است. به‌منظور بررسی موضوع مورد اشاره، کنترل مؤثر به‌عنوان اصل حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که قضیه نیکاراگوئه مبنای صدور رأی دیوان دادگستری بین‌المللی قرار گرفته، بررسی شده است. در ادامه از رأی دیوان کیفری یوگسلاوی سابق که با رأی دیوان در تعارض است بحث شده و سرانجام از ضرورت تغییر رویکرد و قواعد حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها سخن به میان آمده است. نتایج مقاله بیانگر این امر است که رویه قضایی دیوان بعد از قضیه



نوع مقاله:
پژوهشی

DOI:
10.48300/JLR.2021.134518

تاریخ دریافت:
۱۹ دی ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:
۱۶ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ انتشار:
۱۵ شهریور ۱۴۰۰



پژوهش‌کده حقوق

کپی‌رایت و مجوز دسترسی آزاد:



کپی‌رایت مقاله در مجله پژوهش‌های حقوقی نزد نویسنده (ها) حفظ می‌شود. کلیه مقالاتی که در مجله پژوهش‌های حقوقی منتشر می‌شوند با دسترسی آزاد هستند. مقالات تحت شرایط مجوز 4.0 Creative Commons Attribution Non-Commercial License منتشر می‌شوند که اجازه استفاده، توزیع و تولید مثل در هر رسانه‌ای را می‌دهد، به شرط آنکه به مقاله استناد شود. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحه سیاست‌های دسترسی آزاد نشریه مراجعه کنید.

۱۹۸۹ نیکاراگوئه و در مورد انتساب اعمال بازیگران غیردولتی به دولت حامی دچار دگرگونی شده زیرا در غیر این صورت حقوق بین‌الملل پاسخگوی سؤالات و رخداد‌های جدید حقوقی نبوده و نمی‌تواند با معیارهایی مثل کنترل مؤثر، عدالت را تأمین نماید. از همین رو باید برای تضمین حقوق بنیادین بشر، حقوق بین‌الملل به معیارهای مترقی متعدد دیگری چون کنترل کلی بیشتر توجه کرد و آن را در این بخش از حقوق بین‌الملل تثویز کرد. رأی نیکاراگوئه بر مبنای نظریه رئالیستی روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل است که در زمانه خود قابل‌استناد بوده است ولی امروزه با قدرت گرفتن نظریه ایدئالیستی که حول محور حقوق بنیادین بشر شکل گرفته است می‌توان تحلیل کرد که مبنای صدور رأی نیکاراگوئه در تبیین تحلیل مسئولیت کشورهای حامی و بازیگران غیردولتی در نقض تعهدات حقوق بشر دوستانه کارآمد نیست.

کلیدواژه‌ها:

دیوان دادگستری بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی، بازیگران غیردولتی، قضیه نیکاراگوئه.

برگرفته از رساله با عنوان «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حمایت از بازیگران غیر دولتی»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

تهران مرکزی - دانشکده حقوق

حامی مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان:

محسن مولائی فرد: مفهوم سازی، روش‌شناسی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نوشتن - بررسی و ویرایش، نوشتن - پیش‌نویس اصلی.

داریوش اشرافی: مدیریت پروژه، نظارت، نظارت بر داده‌ها.

علیرضا ظاهری: مدیریت پروژه، نظارت، نظارت بر داده‌ها.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

استناددهی:

مولائی فرد، محسن، داریوش اشرافی و علیرضا ظاهری، «مبنای رویکرد دیوان دادگستری بین‌المللی به قواعد حاکم بر مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل؛ مطالعه موردی رأی قضیه نیکاراگوئه». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۰، ش. ۴۶ (۱۵ شهریور ۱۴۰۰): ۳۰۳-۳۲۳.

مقدمه

مسئولیت بین‌المللی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهای حقوقی بین‌المللی است، زیرا اصولاً هرگونه تعهد حقوقی بین‌المللی که از سوی تابعان فعال حقوق بین‌الملل نادیده انگاشته و نقض شود، بلافاصله مسئولیت بین‌المللی آنها را موجب می‌شود. «مسئولیت بین‌المللی، نهادی حقوقی است که به موجب آن، کشوری که عمل خلاف حقوق (حقوق بین‌الملل) به او منتسب است، باید خسارت وارده به کشور متضرر از آن عمل را طبق حقوق بین‌الملل جبران نماید»^۱. مسئولیت دولت در قبال اعمال بازیگران غیردولتی مسئله‌ای بسیار چالش‌برانگیز است. با گسترش جنگ‌های نیابتی بین‌المللی در زمینه یا بستر جنگ‌های داخلی، عملاً کشورهای رقیب بین‌المللی یا منطقه‌ای، از خلأ واقعی حقوقی در این قسمت از قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت که به قواعد حاکم بر تعهدات گروه‌های شورشی و دولت‌های حامی آنها می‌پردازد و رویه بسیار محافظه‌کارانه دیوان در قضیه نیکاراگوئه ۱۹۸۹ که معیار کنترل مؤثر را برگزیده است، سوءاستفاده کرده و تمام اعمال خود را در تنظیم و برنامه‌ریزی و سازماندهی این بازیگران غیردولتی قانونی دانسته و با این فرض که کنترل ما بر این گروه‌ها مؤثر نیست، حاضر به پذیرش مسئولیت اعمال این گروه‌های شورشی، نیابتی و بعضاً تروریستی نیستند. با بررسی مواد موجود در طرح مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی نمی‌توان همه موارد رابطه دولت و گروه‌های تروریستی را تحت شمول آنها قرار داد. مقررات حاکم بر مسئولیت بازیگران غیردولتی و دولت‌های حامی آنها حتی بسیار مناقشه‌برانگیز است. همین امر نگارش مقاله حاضر را به یک ضرورت مبدل ساخته است. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که مبنای رویکرد دیوان دادگستری بین‌المللی به قواعد حاکم بر مسئولیت دولت در قبال بازیگران غیردولتی با نگاهی به رأی قضیه نیکاراگوئه چگونه قابل‌ارزیابی است؟ به عبارتی رویکرد دیوان در خصوص دیدگاه «کنترل مؤثر» در رابطه با مسئولیت دولت‌ها در قبال بازیگران غیردولتی بر پایه چه مبنایی قابل‌تحلیل بوده و تا چه اندازه تبیین‌گر تحولات جدید است؟ فرضیه احتمالی مقاله نیز بدین شکل قابل‌طرح است که «مبنای صدور رأی دیوان دادگستری در قضیه نیکاراگوئه چندان کارآمد نبوده و امروزه در حقوق بین‌الملل عرفی با قدرت گرفتن حقوق بنیادین بشر، بیش‌ازپیش احتیاج به بازبینی تاریخی، مفهومی و رویه‌ای داشته و باید با یک مبنای نظری حقوق بشری و روش‌شناسی مختص به آن به قواعد مسئولیت بین‌الملل دولت و رویه دیوان نگاه کرد و منطبق با آن، این قواعد عرفی و رویه‌ای را تفسیر و تحلیل کرد.» در راستای بررسی فرضیه مورد اشاره و پاسخ به سؤال مطرح شده ابتدا کنترل مؤثر؛ مبنای دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه نیکاراگوئه بررسی می‌شود، سپس به تعارض رویکرد دیوان دادگستری بین‌المللی با رأی دیوان کیفری یوگسلاوی سابق پرداخته شده و در ادامه ضرورت تغییر در مبنای رویکرد دیوان دادگستری بین‌المللی قواعد حاکم بر مسئولیت بازیگران غیردولتی تبیین و تحلیل و درنهایت نتیجه‌گیری بیان شده است.

۱. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۳)، ۴۲۴.

۱- کنترل مؤثر؛ مبنای دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه نیکاراگوئه

دولت نیکاراگوئه در دهه ۸۰ میلادی در دادخواست تقدیمی خود به دیوان بین‌المللی دادگستری مدعی شده بود که ایالات متحده یک گروه مسلح مزدور تحت عنوان «کنترها» را در نیکاراگوئه تشکیل داده و برای مبارزه با دولت انقلابی نیکاراگوئه (ساندینیست‌ها) آنها را به صورت گسترده از لحاظ مالی تأمین کرده، آموزش داده، مسلح کرده، مجهز ساخته، مسلح نموده و در عملیات جنگی سازماندهی و هدایت کرده است.^۲ دولت نیکاراگوئه در واقع مدعی آن شده بود که نیروهای کنترها به عنوان ارگان ایالات متحده با حکومت نیکاراگوئه در جنگ بوده‌اند و بنابراین، مسئولیت اعمال ارتكابی این نیروهای مزدور، متوجه ایالات متحده آمریکا است.^۳

دیوان در این قضیه با شرایطی مواجه بود که نیروهای کنترها، به‌طور رسمی ارگان دولت ایالات متحده محسوب نمی‌شدند و بنابراین دیوان به بررسی این موضوع پرداخت که آیا می‌توان شورشیان کنترها را به‌طور غیررسمی ارگان ایالات متحده قلمداد کرد و از این طریق، مسئولیت اعمال شورشیان کنترها در نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه را متوجه ایالات متحده دانست.^۴ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه^۵ به ضابطه کنترل مؤثر پرداخت. برای پاسخ به پرسش فوق، دیوان با بررسی وقایع موجود در پرونده به این نتیجه رسید که ایالات متحده بر نیروهای کنترها، «کنترل عمومی» داشته و این نیروها به میزان بالایی به ایالات متحده وابسته بوده‌اند، اما این امر به این معنا نیست که در نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط نیروهای کنترها، ایالات متحده آمریکا نیز دخیل بوده است؛ به عبارت دیگر، نیروهای کنترها از نظر دیوان می‌توانستند بدون کنترل ایالات متحده نیز مرتکب چنین اقداماتی گردند. دیوان در ادامه به معیار «کنترل مؤثر» اشاره و بیان می‌کند که مسئولیت حقوقی ایالات متحده تنها زمانی قابل طرح است که ثابت شود این کشور کنترل مؤثری بر عملیات منجر به نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

2. Alan E. Boyle, "State Responsibility And International Liability For Injuries Consequences Of Acts Not Prohibited By International Law A Necessary Distinction" *International And Comparative Law Quarterly* 39(2006): 86-93.

3. Paragraphs 75 to 86 votes

4. Paragraphs 93 to 114 votes

۵. از سال ۱۹۷۹ که حکومت ساندینیست‌ها در نیکاراگوئه مستقر شد، روابط این کشور با ایالات متحده تیره‌تر گردید. در آغاز امر، دولت «کارترا» از حکومت جدید پشتیبانی نمود؛ اما از ۱۹۸۰ به بعد، سیاست پنهان حمایت از هندوراس را در پیش گرفت. پرزیدنت «ریگان» نیز در همین خط پیش رفت و در مارس ۱۹۸۱ شش هفته پس از تصدی ریاست جمهوری به «سیا» اجازه داد به فعالیت‌های مخفی دست بزند. به اعتقاد نیکاراگوئه، ایالات متحده، به‌طور منظم دامنه عملیات خرابکارانه و نتایج آن را گسترده‌تر می‌ساخت. در مارس ۱۹۸۶، عملیات مذکور ابعاد بی‌سابقه‌ای یافت. این عملیات نه تنها تأسیسات موجود بر روی خشکی را شامل می‌شد؛ بلکه به مین‌گذاری سه بندر مهم نیکاراگوئه هم منجر شد. با گسترش اقدامات نظامی ایالات متحده، نیکاراگوئه به طرح دعوا علیه ایالات متحده پرداخت. سرانجام رأی ماهیتی دیوان، در ۲۷ ژوئن ۱۹۸۹ صادر شد. رأی دیوان از جنبه‌های گوناگون از جمله بحث توسل به زور و دفاع مشروع حائز اهمیت فراوان است. دیوان نیز در قضایای گوناگون، به رویه خود در این قضیه استناد کرد. همچنین این رأی در بردارنده موضوعات با اهمیتی در زمینه مباحث مربوط به قابلیت انتساب است.

داشته است (بند ۱۱۵ رأی) و از آنجاکه هیچ دلیلی اقامه نشده که نشان دهد آمریکایی‌ها به همراه کنترها در عملیات شرکت داشته‌اند یا آنان را فرماندهی می‌کرده‌اند، دیوان، تخلفات مزبور را منتسب به ایالات متحده ندانست.^۶ دیوان البته به مشارکت آمریکا در سازماندهی، تأمین مالی و تهیه مایحتاج کنترها اشاره می‌کند و اینکه کمک‌های آمریکا به گروه کنتر بسیار مهم و اثربخش بوده است؛ اما به نظر دیوان، حتی اگر آمریکا به گروه کنتر در انتخاب هدف‌های نظامی و شبه‌نظامی کمک رسانده و همه عملیات آنها را هم طرح‌ریزی کرده باشد، باز هم به معنای کنترل مؤثر عملیات کنترها توسط ایالات متحده نیست.^۷ به عقیده دیوان برای احراز مسئولیت دولت آمریکا باید بتوان ثابت کرد که ایالات متحده اقدام به راهبری کردن و فرماندهی کردن عملیات کرده است تا میزان کنترل به درجه کنترل مؤثر برسد.

دیوان در قضیه نیکاراگوآ جهت انتساب اعمال به ایالات متحده، مسیره‌های متفاوتی را پیمود. مسیر نخست وفق ماده چهار طرح کمیسیون،^۸ زمینه اعمال افرادی است که جزء نیروهای مسلح ایالات متحده بودند که مستقیماً قابل انتساب به آن دولت بود. مسیر دوم، انتساب اعمال افرادی است که به‌عنوان رکن دولت ایالات متحده محسوب نمی‌شدند؛ اما به‌طور مستقیم دستوراتی را از مقامات رسمی ایالات متحده می‌گرفتند و تحت نظارت آن عمل می‌کردند؛ که در قالب ماده هشت طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، قابل بررسی است.^۹

دیوان بین‌المللی دادگستری به این نتیجه رسید که این گروه، خود مسئول اعمالشان، به‌ویژه در موارد نقض‌های ادعایی حقوق بشری است و برای انتساب این اعمال به ایالات متحده، باید ثابت شود آن دولت، کنترل واقعی عملیاتی را که طی آن نقض‌های ادعایی صورت گرفته، اعمال نموده است. مطابق نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، کنترل کلی برای انتساب تمام اعمال نیروهای کنتر به ایالات متحده کافی نیست. این کنترل باید به‌صورت کامل باشد و برای انتساب آن اعمال به دولت، باید وابستگی تام وجود داشته باشد. به این معنا که دولت، نسبت به اعمال خاص که در جریان نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه صورت گرفته است کنترل مؤثر داشته باشد.

در این قضیه، دیوان برای تعیین اینکه آیا فعالیت‌های نیروهای کنتر قابل انتساب به ایالات متحده است یا نه؛ از ضابطه کنترل مؤثر استفاده کرده است. در زمینه اقدامات و عملیات‌های نظامی به وسیله نیروهای کنتر، از جمله استفاده از نیروهای نظامی در نیکاراگوآ علیه حاکمیت سرزمینی و

6. Sub-paragraph 9 of the executive part of the vote in paragraph 292

۷. پوریا عسکری، «مسئولیت بین‌المللی افراد و دولت‌ها در پرتو ضابطه کنترل»، *مجله حقوقی* ۴۰ (۱۳۸۸)، ۱۵۳.
۸. ماده ۴ طرح مسئولیت دولت: (۱) به‌موجب حقوق بین‌الملل، رفتار هر رکن دولتی خواه اشتغال تقنینی، اجرایی، قضایی یا غیر آن را داشته باشد، صرف‌نظر از موقعیتی که در ساختار دولت دارد و صرف‌نظر از ماهیتش، به‌عنوان رکن حکومت مرکزی با واحد سرزمینی دولت به‌عنوان عمل آن دولت محسوب خواهد شد. (۲) رکن، شامل هر شخص یا نهادی است که آن وضعیت را بر اساس حقوق داخلی دارا است.

۹. امیرحسین ملکی زاده، «ضابطه کنترل در نظام مسئولیت بین‌المللی؛ وحدت یا تعارض رویه قضایی بین‌المللی»، *حقوقی دادگستری* ۸۲ (۱۳۹۲)، ۱۶۴.

استقلال سیاسی آن دولت؛ دیوان دریافت که ایالات متحده به خاطر کمک مالی، تسلیحاتی و تجهیز نیروهای کنترا مسئولیت دارد. چنین مسئولیتی ناشی از نقض تعهدات مربوط به عدم‌مداخله در امور داخلی دولت‌های دیگر، از جمله تعهد به عدم‌توسل به زور در نقض حقوق بین‌الملل عرفی مندرج در منشور سازمان ملل متحد است.^{۱۰} دیوان بین‌المللی دادگستری، برای چنین انتسابی ضابطه‌ای کاملاً سخت‌گیرانه ارائه داد که همان کنترل مؤثری است که ایالات متحده باید نسبت به اقدامات کنتراها در نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی اعمال می‌کرد؛ ضابطه‌ای که دیوان، آن را در این قضیه محرز ندانست. در مورد چنین کنترل مؤثری، دیوان بیان داشت: ایالات متحده باید به هدایت یا ارتکاب چنین اعمالی برخلاف حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه ادعایی به وسیله دولت خواهان بپردازد. از این عبارات به نظر می‌رسد «کنترل مؤثر» موردنظر دیوان دو هدف را دنبال می‌کرده است: الف) صدور دستورالعمل به نیروهای کنترا توسط ایالات متحده در ارتباط با اعمال خاص از جمله کشتن غیرنظامیان؛ به معنی صدور دستور انجام دادن آن توسط ایالات متحده بوده است. ب) هر کدام از اعمال خاص نیروهای کنترا به وسیله ایالات متحده صورت گرفته باشد، به آن معنا است که به‌طور مؤثر شورشیان را به انجام دادن این عملیات‌های خاص، رهبری و فرماندهی کرده باشد. در مورد ضابطه کنترل مؤثر، دیوان به این نتیجه رسید که ایالات متحده بر نیروهای کنترا، کنترل عمومی داشته است و این نیروها به میزان بالایی به ایالات متحده وابسته بوده‌اند؛ اما این، بدین معنی نیست که ایالات متحده در نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط نیروهای کنترا، دخیل بوده است.^{۱۱}

۲- تعارض رویکرد دیوان دادگستری بین‌المللی با رأی دیوان کیفری یوگسلاوی سابق

دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ ۱۹۹۹ برای انتساب اقدامات متخلفانه گروه‌های غیردولتی و شورشی به یک دولت، معیار کنترل کلی را برگزید، درحالی‌که انتخاب این ضابطه در تناقض آشکار با رویه دیوان بین‌المللی در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی در و علیه نیکاراگوا ۱۹۸۶ بود، که در آن دیوان برای انتساب یا عدم‌انتساب اعمال شورشیان کنترا به ایالات متحد، معیار کنترل مؤثر را برگزید. پس از رأی تادیچ بود که موضوع تعارض رویه‌های قضایی بین‌المللی نظر حقوق‌دانان را بیش‌ازپیش به خود معطوف ساخت و به‌موازات آن بحث چالش‌برانگیز چندپارگی حقوق بین‌الملل را مطرح کرد. جالب آنکه در سال ۲۰۰۷ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اجرای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی مجدداً بر رویه سابق خود پافشاری می‌کند و ضابطه برای انتساب اقدامات گروه شورشی به دولت را همچنان همان ضابطه منتخب در رأی نیکاراگوا می‌داند و این ایده که شاید رأی تادیچ تغییری در نگرش دیوان بین‌المللی دادگستری از

10. Nicaragua Case, "Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua: (I.C.J. Reports, Nicaragua V. United States of America, 1986), Para: 113-120.

۱۱. امیرحسین ملکی زاده، «تحلیل مفهوم قابلیت انتساب مسئولیت بین‌المللی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، راهبرد ۶۴، (۱۳۹۱)، ۱۳۷۲.

ضابطه خود ایجاد کند را منتفی ساخت.

شعبه تجدیدنظر دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ با رد تصمیم شعبه بدوی این دادگاه معتقد بود که معیار کنترل مؤثر که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه گردید مغایر با منطبق مسئولیت دولت‌ها و رویه قضایی و دولتی است. این دادگاه با تفکیک میان افراد و گروه‌ها بیان داشت: «واضح است که یک گروه سازمان‌یافته با یک فرد متفاوت است زیرا یک گروه به‌طور معمول از ساختار، پیوند، فرماندهی، اصول و نمادی از اقتدار بهره می‌برد. معمولاً یک عضو این گروه از جانب خود عمل نمی‌کند بلکه مطابق با قواعد حاکم بر گروه و با فرمان فرمانده گروه عمل می‌کند. لذا برای انتساب اعمال این گروه به دولت کافی است که گروه در کلیت خود تحت نظارت کلی آن دولت باشد»؛ اما دادگاه اضافه می‌کند که در مواردی که با گروه نظامی روبه‌رو نباشیم (با مجموعه‌ای از افراد مواجه باشیم) آستانه‌ای بالاتر از کنترل کلی مورد نیاز است. کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح سال ۲۰۰۱ خود در ارتباط با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در ماده ۸ بیان می‌دارد که یک دولت، مسئول اقدامات یک فرد یا گروهی از افراد است در صورتی که این فرد یا گروه حقیقتاً طبق رهنمود^{۱۲}، دستور^{۱۳} یا کنترل^{۱۴} آن دولت عمل کند. هرچند منظور کمیسیون از عبارت رهنمود، دستور و کنترل به خوبی معلوم نیست اما نویسنده‌ای معتقد است که کمیسیون در این ماده به دکتین نیکاراگوئه (کنترل مؤثر) صحه گزارده است.^{۱۵} نکته قابل توجه این است که کمیسیون برخلاف قضیه تادیچ، تفکیکی میان فرد و گروه قائل نمی‌شود و هر دو را با یک چوب می‌راند.

به نظر می‌رسد، دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق به‌طور انتزاعی می‌توانسته برای تعیین سرشت داخلی یا بین‌المللی درگیری به سایر قواعد حقوق بین‌الملل استناد کند. آنچه باید در اینجا مورد تأکید قرار گیرد این است که وقتی دادگاه تصمیم به اجرای قواعد انتساب می‌گیرد، باید به‌گونه‌ای این کار را انجام دهد که با تفسیرشان در حقوق مسئولیت دولت منسجم باشد. پرونده تادیچ از این دیدگاه برجسته می‌نماید؛ زیرا بیانگر تمایلی آشکار به استناد به قواعد مقرر در حقوق مسئولیت است. این قواعد باید در سیاقی متفاوت (موضوعی مقدماتی در رسیدگی کیفری) اجرا شوند. در واقع، دادگاه تجدیدنظر این امر را آشکار ساخت که همان معیاری را اعمال می‌کند که در پرونده‌های مسئولیت دولت اعمال می‌شود.

بنابراین پرونده تادیچ نقطه اشتراک خاصی میان مسئولیت دولت در قبال جنایت‌های بین‌المللی به‌شمار می‌رود. دادگاه‌های بین‌المللی در احراز مسئولیت گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی در قبال جنایت‌های جنگی، نخست ناگزیراند که سرشت درگیری مسلحانه را تعیین کنند. چنانچه ارجاع به قواعد عرفی انتساب ضروری باشد، این قواعد باید در هر دو حوزه حقوق بین‌الملل به شکلی منسجم

12. Instruction

13. Direction

14. Control

15. Andrew Clapham, "Human rights obligations of non-state actors in conflict situations", *International Review of Red Cross* 863(2006), 214.

اجرا شوند. این پرونده از پیوند حقوقی نزدیک مسئولیت دولت و گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی - که ناظر است به احراز پیش‌شرط عام جنایت‌های جنگی (سرشت درگیری مسلحانه)، از سویی و یکی از شروط بنیادین احراز مسئولیت دولت، از سوی دیگر - پرده برمی‌دارد. در این مفهوم، پرونده تادیح همکاری مسئولیت مشدد دولت و مسئولیت کیفری گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی را تضمین می‌کند.

در همین حال دیوان دادگستری بین‌المللی عقیده دارد که معیار کنترل کلی، روی هم‌رفته معیاری مناسب برای مسئولیت دولت‌ها نیست و معیار حقوق عرفی آن چیزی است که در ماده ۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده است که به‌موجب آن دولت برای اقدامات اشخاص و گروه‌ها زمانی مسئول است که ارگان دولت دستورالعملی صادر نموده یا مسیری را مهیا نموده که مرتکبین متعاقب آن به انجام عمل غیرقانونی اقدام کرده‌اند یا آنکه دولت کنترل مؤثر بر عملیاتی را داشته است که اقدامات متخلفانه در خلال آن صورت گرفته است.^{۱۶}

در قضیه کنوانسیون ژنوسید^{۱۷} (۲۰۰۷)، دیوان به‌منظور تعیین اینکه صربستان برای ارتکاب ژنوسید مسئول است، این موضوع را مدنظر قرار داد که آیا مرتکبان و عاملان به‌طور رسمی یا عملی به‌عنوان ارگان دولت صربستان محسوب می‌شوند یا خیر. خاطرنشان شد، به‌موجب بند دو ماده ۴ طرح پیش‌نویس، اعضای دائم دولت عبارتند از هر شخص یا نهادی که به‌موجب حقوق داخلی آن دولت از چنین وضعیتی برخوردار باشد. در این قضیه، مرتکبان، اعضای رسمی و دائمی نبودند، زیرا آنها به‌موجب حقوق داخلی صربستان، ارگان دولت محسوب نمی‌شدند.^{۱۸} لذا دیوان به سابقه خود در تعیین استاندارد حقوقی برای تلقی کردن بازیگران خصوصی به‌عنوان ارگان عملی دولت رجوع کرد. در قضیه نیکاراگوئه، دیوان درخصوص مسئولیت ایالات متحده آمریکا برای اعمال کنترها، در کنار معیار کنترل مؤثر، به موضوع «وابستگی کامل» به‌عنوان یکی دیگر از معیارهای انتساب اعمال متخلفانه دولتی اشاره کرده است. در آنجا که صرف‌نظر از ساختار حقوق داخلی دولت مربوطه و جدا از اینکه طبق مقررات داخلی آن دولت، گروه مربوطه ارگان آن دولت محسوب نشده باشند، به دلیل وابستگی کامل آن گروه به دولت مربوطه، اقدامات متخلفانه آن گروه غیردولتی، منتسب به دولت نخواهد بود.

دیوان فرمول خاصی را ایجاد نمود که مطابق آن می‌توان به‌عنوان یک استثنا، افراد یا گروه‌های خصوصی را به‌عنوان ارگان دولت تلقی کرد (زمانی که آنها به‌موجب حقوق داخلی از چنین وضعیتی برخوردار نیستند). به‌موجب این معیار بازیگران غیردولتی باید فاقد هرگونه استقلال واقعی باشند و

16. Genocide case, "Application of the convention on the prevention and punishment of the crime of genocide" (ICJ reports, Bosnia & Herzegovina v. Serbia & Montenegro: 2007), 403.

17. Genocide

۱۸. کنوانسیون ممنوعیت و مجازات جرم نسل‌کشی (دعوی بین بوسنی و هرزه گوین علیه صربستان و مونته‌نگرو) ۲۶ فوریه ۲۰۰۷؛ فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی (دعوی نیکاراگوئه علیه آمریکا) ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶؛ همچنین نگاه کنید به قضیه تادیح، رأی شماره IT-94-1-A، ۱۵ جولای ۱۹۹۹.

پیوند میان دولت و بازیگران خصوصی باید به حدی قابل توجه و فراگیر باشد که عملاً از حالتی که بین آنها قرارداد رسمی وجود دارد غیرقابل تشخیص باشد.^{۱۹} البته در قضیه شکایت بوسنی، دیوان وجود حدی از استقلال را برای عاملان قطعی دانست و در نتیجه آنها را به عنوان ارگان عملی دولت صربستان نیز تلقی نکرد.

در این رأی، دیوان، معیار کنترل مؤثر اعمال شده در قضیه نیکاراگوئه را اعمال کرد و نتیجه منفی گرفت. با استفاده از این معیار، دیوان بر این باور بود که صربستان برای رفتار عاملان تنها در صورتی مسئولیت دارد که اعمال فیزیکی منتج به ژنوسید که توسط ارگان و اشخاص صورت گرفته، به طور کلی یا جزئی به دستور یا تحت هدایت یا کنترل مؤثر وی باشد. به موجب این معیار، دیوان مقرر داشت که عاملان ژنوسید نمایندگان دولت تلقی نمی‌شوند؛ زیرا هیچ مدرکی وجود ندارد که مقامات بلغراد دستور قتل عام را صادر کرده‌اند یا اینکه کنترل مؤثری بر عملیات آنها در دوره‌ای که قتل عام صورت می‌گرفت، داشتند.^{۲۰} در نتیجه دیوان از طریق اعمال ماده ۸ طرح پیش نویس مواد نتوانست صربستان را بابت اعمال مرتکبان ژنوسید مسئول بشناسد.

واژه پردازی ماده ۸ طرح پیش نویس به گونه‌ای است که می‌توان گفت کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۸ همچنان بر سر دوراهی باقی مانده و از برخی عبارات کلی استفاده نموده است. لذا مراجع قضایی در پرونده‌هایی که به آنها ارجاع می‌شود، می‌توانند بسته به نوع دعوا و هدفی که قرار است بدان دست یابد از یکی از دو معیار فوق استفاده نماید. مبهم گذاشتن معیار کنترل در ماده ۸ طرح بدان دلیل بود که کمیسیون وجود یک قاعده عرفی مورد پذیرش همگان را به دست نیاورد و ترجیح داد که با مبهم گذاشتن موضوع و اعتماد به رویه و عملکرد بعدی دولت‌ها موضوع را دنبال کند.^{۲۱} ولی رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در دو قضیه نیکاراگوئه و کنوانسیون ژنوسید، حاکی از اصرار این محکمه بر معیار کنترل مؤثر می‌باشد و علی‌رغم کمک‌های مالی فراوان و دیگر کمک‌های ایالات متحده به کنترها، هیچ‌گونه شواهد آشکاری وجود ندارد که نشان دهد ایالات متحده در تمام زمینه‌ها چنان کنترلی را بر کنترها اعمال می‌کرده که بتوان این‌گونه تلقی کرد که کنترها از طرف او عمل می‌کرده‌اند. رفتارهای اعضای کنترها و بدون کنترل ایالات متحده به راحتی قابل ارتکاب بود. برای اینکه این امر موجب مسئولیت حقوقی ایالات متحده شود اصولاً باید اثبات شود که آن دولت «کنترل مؤثری» بر فعالیت‌های نظامی یا شبه نظامی که نقض‌های ادعایی در طی آن ارتکاب یافته‌اند داشته است.

19. Genocide case, op.cit.,69.

20. Elizabeth Nielsen, "State Responsibility For Terrorist Groups", *Davis Journal International Law*, 17(1)(2011): 162.

۲۱. احمدعلی خمیس، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در کمک به گروه‌های شورشی در سوریه، (تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۳)، ۴۶.

۳- ضرورت تغییر در مبنای رویکرد دیوان دادگستری بین‌المللی قواعد حاکم بر مسئولیت دولت در قبال اعمال بازیگران غیردولتی

این موضوع که آیا و تا چه حد یک دولت در برابر اعمال بازیگران غیردولتی مسئولیت دارد، یک مسئله قدیمی است که اخیراً تبدیل به یک مسئله مهم شده است، زیرا دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای در حال واگذاری اختیارات و وظایف خود که به‌طور سنتی توسط مقامات عمومی انجام می‌شد، به بخش خصوصی می‌باشند.^{۲۲} همان‌طور که خاطر نشان گردید، به‌منظور استناد به مسئولیت دولت لازم است دو چیز ثابت شود: ۱- اینکه رفتار مورد بحث به‌موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت باشد و ۲- اینکه این رفتار به‌منزله نقض تعهد بین‌المللی آن دولت باشد.^{۲۳}

معمولاً اثبات شرط اول سخت است، زیرا دولت‌ها موجودات انتزاعی هستند و قادر به انجام اعمالی نیستند. تنها انسان‌ها هستند که وظایف دولت‌ها را انجام می‌دهند، از این رو لازم است تا اثبات شود رفتار خاصی قابل انتساب به دولت هست یا خیر. تعهدات مورد بحث نیز، از حقوق بین‌الملل، از جمله: معاهده، حقوق عرفی و اصول کلی حقوقی نشئت گرفته است. حقوق مسئولیت دولت بر اساس مفهوم نماینده^{۲۴} است. همان‌طور که خاطر نشان شد، دولت‌ها مفاهیمی سیاسی هستند که از طریق اشخاص حقیقی کار خود را انجام می‌دهند؛ بنابراین مسئله کلیدی این است که آیا یک شخص به‌عنوان نماینده یک دولت عمل کرده است؟ و عمل فرد به‌منزله عمل دولت تلقی می‌گردد؟^{۲۵}

نظام حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی حقوق بشر با این رویه دولت‌ها مخالفت نموده‌اند. به‌عنوان مثال قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت،^{۲۶} در سال ۲۰۰۱ و پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، بعد از تأیید قطعنامه ۱۳۶۸، بر این امر تأکید می‌کند؛ قطعنامه در متن خود بیان می‌دارد: «هر دولت موظف است که از سازماندهی، فعالیت‌ها در سرزمین‌اش مستقیماً نسبت به انجام آن اقدامات، جلوگیری کند.» بنابراین دولت‌ها نمی‌توانند با سازماندهی و حضور در پشت پرده به مقاصد و اهداف سیاسی و نظامی خود دست یابند و بدون پاسخگویی در صحنه بین‌الملل به تضییع حقوق بشر بپردازند.

براین اساس، یک دولت ممکن است در نقض حقوق توسط اشخاص خصوصی درگیر باشد و این در حالی است که تحت هدایت، کنترل یا تحریک آن دولت اقدام کنند. معمولاً این اشخاص تحت ساختار مشخصی بنابر خواست دولت عمل می‌کنند^{۲۷}؛ به‌منظور ضرورت تغییر در مبنای رویکرد دیوان

22. Rüdiger Wolfrum, *State Responsibility For Private Actors: An Old Problem Of Renewed Relevance*, (London: Cambridge University Press 2008), 423.

23. Draft Articles on Responsibility of States, Article 2.

24. Agency

25. Rene Vark, "State Responsibility For Private Armed Groups In The Context Of Terrorism", *Jurdival International* 11(2006), 86.

26. UN Security Council, Resolution 1373, 2001.

27. Manfred Novak, *Torture By Non-State Actors, Towards Enhanced Protection, Accountability And Effective Remedies, By Redress* (London: Oxford: University Press), 2006.

دادگستری بین‌المللی لازم است به مؤلفه‌های زیر توجه شود:

۳-۱- نقض تعهد

حقوق بین‌الملل این امر را پذیرفته است که یک دولت مسئول اعمال ارگان‌های خود است، حتی هنگامی که آنها خارج از محدوده صلاحیت خود اقدام کنند یا از دستورالعمل‌ها سرپیچی نمایند.^{۲۸} این مسئله با موضوع دیگری که در این حیطة وجود دارد متفاوت است و آن اینکه چنانچه مأموری با انگیزه خصوصی مرتکب رفتار خلاف شود، آیا دولت، مسئول اقدامات او خواهد بود؟ در پاسخ به پرسش یاد شده حقوق دانان اختلاف‌نظر دارند؛ برخی وجود انگیزه خصوصی را از موضوع تجاوز از حیطة اختیارات تفکیک کرده‌اند. در مورد اول (انگیزه خصوصی)، این اعتقاد وجود دارد که دولت، مسئول اقدامات افراد و گروه‌ها نیست؛ ولی در مورد دوم (تجاوز از حدود اختیارات)، مسئولیت دولت مطرح است. مسئولیت دولت در این فرض، مشروط به آن است که مأمور دولت در هنگام ارتکاب خلاف، از جایگاه و موقعیت اداری خود استفاده کند؛ اما خارج از حوزه و حیطة مسئولیت عمل کند. این موقعیت شبیه موردی است که دولت در انجام دادن کنترل خود قصور کند و از این رو مبنای هر دو مسئله یکسان خواهد بود. همیشه فرضی حقوقی وجود دارد که هر فردی به‌عنوان مأمور دولت، در حیطة تعهدات و اختیارات خود عمل می‌کند؛ اما از این فرض حقوقی ممکن است سوءاستفاده یا غفلت شود و طبعاً برای دولت نیز مسئولیت ایجاد کند.

در ماده ۷ طرح پیش‌نویس مواد به این مورد اشاره شده است. این ماده مقرر می‌نماید: «رفتار رکن دولتی یا شخص یا نهادی که مجاز به اعمال برخی اقتدارات دولتی است، به‌موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت تلقی می‌شود، مشروط بر آنکه آن رکن، نهاد یا شخص در این سمت عمل کرده باشد حتی اگر از حدود اختیارات خود تجاوز کرده یا دستورات را نقض کند.»^{۲۹}

بنابراین یک دولت نمی‌تواند استدلال کند که بر اساس مقررات داخلی او یا دستوراتی که به مأموران یا ارکان خود داده است، آن فعل یا ترک فعل‌ها نمی‌بایست رخ می‌داد، یا می‌بایست به‌گونه‌ای دیگر رفتار می‌شد. به همین ترتیب هنگامی که رکن یا نهاد مورد بحث آشکارا و در پوشش موقعیت رسمی خویش، اعمال غیرقانونی انجام داده یا آشکارا از حدود صلاحیت خویش تجاوز کرده باشد چنین استدلالی پذیرفته نیست. در غیر این صورت هر دولتی می‌تواند برای رد انتساب رفتاری که در واقع توسط ارکان آن انجام شده به حقوق داخلی خود استناد کند.

طرح پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی ۲۰۰۱، در ماده ۱ خود، هر تخلف بین‌المللی یک دولت را موجب مسئولیت بین‌المللی آن می‌داند. ماده ۱ بیان‌کننده اصلی بنیادین است که ریشه تمامی مواد به‌شمار می‌رود یعنی نقض حقوق بین‌الملل از سوی یک دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن می‌گردد. یک تخلف بین‌المللی

28. Kimberley N. Trapp, *State Responsibility For International Terrorism Problems And Prospects*, (London: Oxford University Press, 2011), 34.

29. Draft Article on state Responsibility.2001, Article 7

دولت ممکن است مرکب از یک یا چند فعل یا ترک فعل یا ترکیبی از هر دو باشد. احراز تخلف بین‌المللی او بستگی به الزامات تعهدی که ادعای نقض آن مطرح گردیده و ثانیاً به شرایط وقوع عمل تخلف دارد که در بخش اول طرح پیش‌نویس تعیین گردیده است.^{۳۰} نقض تعهد بین‌المللی هنگامی رخ می‌دهد که رفتار منسوب به دولت به‌عنوان تابع حقوق بین‌الملل، بیانگر قصور دولت در اجرای تعهدات بین‌المللی خود باشد. از آنجا که مفهوم نقض تعهد انتزاعی نیست، تعیین و تشخیص آن در گرو شناخت ماهیت رفتار، معیارهایی که دولت باید رعایت کند و نتایج به‌دست‌آمده از آن رفتار خلاف است. رفتار خلاف بین‌المللی در عدم‌مطابقت رفتار واقعی دولت با آنچه باید در راستای تعهدات بین‌المللی مشخص پذیرفته شود، پدید می‌آید. چنین رفتاری، روابط حقوقی جدیدی با محوریت مسئولیت بین‌المللی شکل می‌دهد.^{۳۱} ماده ۲۱ طرح پیش‌نویس مواد در راستای روشن شدن این امر که نقض تعهد چیست، بیان می‌دارد: «نقض یک تعهد بین‌المللی دولت، هنگامی پدید می‌آید که رفتار دولت مطابق الزامات ناشی از آن تعهد نباشد. در این خصوص منشأ یا ویژگی تعهد، نقشی ندارد. ماده ۷ طرح پیش‌نویس مواد نیز بیان کرده است که معیار تشخیص نقض تعهد، حقوق بین‌الملل است نه حقوق داخلی.

رفتار مدنظر، یعنی رفتاری که توسط تعهدات بین‌المللی پذیرفته شده است، می‌تواند دربرگیرنده فعل یا ترک فعل یا ترکیبی از هر دو حالت باشد. چنین وضعی می‌تواند در قالب تصویب یک قانون یا اجرای خاص یک قانون یا حتی تهدید به چنین کاری، اعم از آنکه تهدید، عملی شود یا خیر، یا در قالب اتخاذ یک تصمیم قضایی رخ دهد. در هر پرونده‌ای از طریق مقایسه رفتاری که به دولت منسوب شده است و آنچه بر اساس قواعد حقوقی باید صورت می‌داده است می‌توان تعیین کرد که آیا نقض تعهدی شکل گرفته است یا خیر.^{۳۲} در نتیجه، نقض تعهد یعنی اینکه یک تعهد لازم‌الاجرا، صرف‌نظر از منشأ آن تعهد و نیز صرف‌نظر از اینکه در حقوق داخلی چه عنوانی داشته باشد، نقض گردد.

۳-۲- هدایت

در حقوق بین‌الملل، انتساب، یک عملکرد دوگانه را در نظریه مسئولیت به‌وجود می‌آورد. اولین آن، تعیین شخص مسئول و تحمیل نتایج حاصل از این مسئولیت بر وی می‌باشد؛ و کارکرد دوم، اعمال رژیم خاص مسئولیت است؛ یعنی مسئولیت بین‌المللی دولت یا سازمانی بین‌المللی که رفتار مورد بحث به یک شخص حقوقی قابل انتساب است یا مسئولیت کیفری، جایی که رفتار، قابل انتساب به یک شخص حقیقی می‌باشد. اعمال این رژیم خاص مسئولیت می‌تواند به‌صورت هم‌زمان انجام شود. همان‌طور که در قضیه مربوط به «اعمال کنوانسیون ممنوعیت و مجازات ژنوسید» در

۳۰. نصرت‌الله حلمی، *مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی* (تهران: میزان، ۱۳۸۷)، ۲۷.

۳۱. مسعود راعی، *مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال رفتار افراد و گروه‌ها در پرتو رویه قضایی*، (تهران: انتشارات

موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳، ۳۷.

۳۲. همان، ۷۵.

دیوان بین‌المللی دادگستری و محاکمه «اسلوبدان میلسویچ»^{۳۳} نزد دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق نمود پیدا کرد.^{۳۴} اصل عدم‌انتساب اعمال اشخاص خصوصی به دولت، تمامی اعمال آنها که از جانب دولت نباشد را دربر می‌گیرد. از جمله اعمالی که از سوی اشخاصی انجام می‌شود که جزء ارگان دولت هستند اما عمل مزبور را به‌عنوان یک عمل شخصی و خصوصی انجام می‌دهند^{۳۵} و نیز اعمالی که از سوی اشخاصی که جزء ارگان دولت نیستند، صورت می‌گیرد. در نظام حقوق بین‌الملل، دولت‌ها برای ارتکاب اعمال ذیل مسئول شناخته می‌شوند: ۱- اعمال حکومت ۲- اعمال نهادهای فرعی تشکیلات دولت ۳- اعمال کارکنان رسمی نهادها و یا بنگاه‌های دولتی و یا سایر ارکان منتسب به دولت و یا کارکنان نهادهای فرعی که در حوزه استخدامی آن نهادها عمل می‌کنند. فرض قانونی قابلیت انتساب، تمام موارد فوق‌الذکر را با اعمال دولت‌ها یکسان می‌داند، چنان‌که گویی از سوی خود آنان صورت پذیرفته است.^{۳۶} کمیسیون حقوق بین‌الملل، فصل دوم طرح پیش‌نویس مواد را به بحث شرایط انتساب اختصاص داده است؛ یعنی چه زمان رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل یا دسته‌ای از فعل یا ترک فعل‌ها رفتار آن دولت تلقی می‌شود.

دولت‌ها معمولاً برای انجام اقدامات عمومی از اشخاص خصوصی استفاده می‌کنند، از آنجایی که دولت‌ها این بازیگران خصوصی را برای فعالیت عمومی استخدام می‌کنند، آنها جزئی از عناصر اقتدار دولتی هستند؛ بنابراین دولت باید در برابر اعمال آنها پاسخگو باشد. هنگامی که بین دولت و بازیگران خصوصی رابطه‌ای رسمی برقرار است، برای مثال قراردادی رسمی وجود دارد، در خصوص مسئولیت دولت در قبال اعمال آنها اختلافی وجود ندارد. البته به شرطی که شخص یا نهاد مزبور در قضیه مطروحه در سمت رسمی خود عمل کرده باشد؛ بنابراین اگر دولتی، یک گروه مسلحانه خصوصی را برای انجام اقداماتی شدید علیه دولت‌های دیگر استخدام کند، دولت استخدام‌کننده، مسئول اعمال آن گروه است^{۳۷}، زیرا در این حالت آنها ارگان دولت اخیر محسوب می‌شوند. همان‌طور که اشاره شد، بر اساس ماده ۸ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، رفتار این ارگان‌ها به‌عنوان رفتار آن دولت تلقی می‌شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۸ از دو معیار متفاوت برای انتساب اعمال بازیگران غیردولتی به دولت استفاده کرده است. معیار اول «دستور» و معیار دوم «هدایت و کنترل» است. اعمال متخلفانه یک گروه خصوصی که بنا بر دستور یک دولت مرتکب عملی متخلفانه علیه دولت دیگر شوند از اقدامات متخلفانه مصداق ماده ۸ طرح مسئولیت است و نیازی به توصیف گروه مذکور به‌عنوان رکن عملی دولت نیست. بر اساس این دیدگاه، یک گروه مسلح خصوصی که عملیاتی مانند

33. Slobodan Milsevic

34. Olivier De Frouville, "Attribution Of Conduct To The State: Private Individuals", In *The Law of International Responsibility* ed. J. Crawford, A. Pelle and S. Olleson. (Oxford: Oxford University Press, 2010), 257.

35. Ibid, 263.

۳۶. ربه کا والاس، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه محمد شریف (تهران: نشر نی، ۱۳۸۷)، ۲۶۰.

37. Tal Becker, *Terrorism And The State: Rethinking The Rulse Of State Responsibility*, (Oxford: Hart Publishing, 2014), 66.

عملیات دولتی انجام می‌دهند، به‌عنوان ارگان عملی آن در نظر گرفته می‌شود.^{۳۸} هر چند که در حقوق داخلی آن کشور از چنین وصفی برخوردار نیستند. در نتیجه مسئولیت دولت در این مرحله پیچیده می‌شود زیرا دولت در حال استفاده از بازیگر خصوصی است که نه در استخدامش می‌باشد و نه ارگان خود محسوب می‌شود ولی در عمل به‌عنوان نماینده آن دولت اقدام می‌کند. در این حالت باید این بازیگران خصوصی را به‌عنوان مأموران و نمایندگان عملی دولت تلقی کرد و اعمال آنها را متناسب به دولت اخیر نمود؛ زیرا این امر غیرقابل توجیه است که مسئولیت دولت برای رفتار اشخاص خصوصی که در استخدام دولت نیستند اما از شرایط اوضاع و احوال مشخص و واضح است که دولت از آنها به‌عنوان نمایندگان بالفعل و غیررسمی استفاده می‌کند، برداشته شود.

انتساب اعمال اشخاص خصوصی به دولت که در واقع تحت دستور، هدایت یا کنترل یک دولت رفتار می‌کنند، به‌طور گسترده‌ای در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است.^{۳۹} به‌موجب ماده ۸ طرح پیش‌نویس مواد، «رفتار شخص یا گروهی از اشخاص به‌موجب حقوق بین‌الملل، فعل دولت تلقی می‌شود در صورتی که شخص یا اشخاص مزبور در انجام رفتار مزبور در واقع به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند.»^{۴۰} این مقرر در واقع به دو سناریوی مختلف اشاره دارد. اول، حالتی را که اشخاص خصوصی به دستور یک دولت، عمل متخلفانه بین‌المللی انجام می‌دهند؛ و حالت دوم، زمانی است که یک ارتباط از طریق کنترل یا هدایت میان دولت و اشخاص خصوصی برقرار است. با انجام اعمالی به دستور دولت، آن اشخاص تبدیل به بازوی ارگان دولت دستور دهنده می‌شوند و در نتیجه انتساب، به معنی اینکه رفتار آنها به‌عنوان رفتار دولت تلقی شود، محقق خواهد شد. همچنین این ماده مواردی را در برمی‌گیرد که یک دولت، اشخاص خصوصی را برای انجام اهداف خود استخدام می‌کند و آنها خارج از ساختار رسمی دولت هستند؛ در صورتی که در حال انجام دادن وظایفی به دستور آن دولت هستند. در چنین حالتی مهم نیست که یک فرد یا گروهی از اشخاص جزء اشخاص خصوصی باشند.

۳-۳- تأیید و حمایت

از دیگر حالتی که دولت‌ها را در مقابل جامعه بین‌الملل مسئول می‌کند، تأیید و یا حمایت‌های پیشینی یا پسینی از اعمال ناقض حقوق بشر است. در این حالت دولت الزاماً خواهان اقدامات ارتكابی نیست، اما طی روندی بنا بر دلایل گوناگون مانند اینکه: نتیجه عمل برایش رضایت‌بخش بوده، قصد حمایت همه‌جانبه از اشخاص ناقض را دارد، در صدد لطمه به شخص یا دولت دیگری است و این اقدامات در این راستا برایش ارزشمند بوده، استقلال خود را نشان دهد و غیره، به تأیید اقدامات این اشخاص مبادرت می‌کند. این اقدامات ممکن است طی شورش‌ها، آشوب‌ها و خشونت‌های داخلی رخ داده

38. Alexandre Peytchev, *Perspective On The Fight Against International Terrorism*, (Belgium: Faculty of Law Ghent University, 2018), 55.

39. James Crawford, *The International Law Commission's Articles On State Responsibility: Introduction, Text And Commentaries*, (London: Cambridge University Press, 2022), 110.

40. Draft Article on state Responsibility. 2001, Article 8

باشد، اما دولت در صورت قصور در اقدامات پیشگیرانه، معقول و محتاط و نیز بی‌تفاوتی و بی‌توجهی مأموران دولتی، موجب پدید آمدن نقض‌هایی شده باشد که باید در مقابل آن پاسخگو باشد. چراکه در بسیاری مواقع این عدم‌توجه برابر با رضایت و یا تأیید قلمداد می‌شود.^{۴۱}

بنا بر قواعد نظام حقوق بین‌الملل، دولتی که اعمال خلاف و ناقض حقوق بین‌الملل در قلمروی او انجام گرفته، اگر آن‌طور که باید و شاید از خود جدیت نشان نداده باشد از مسئولیت بین‌المللی برخوردار است. برای مثال اگر دولت مزبور از اتخاذ اقدامات ضروری برای جلوگیری از حمله به اتباع یا اموال خارجی کوتاهی کرده باشد، یا اینکه بعد از ارتکاب عمل غیرقانونی طبق قوانین، عوامل این اعمال را تحت پیگرد و مجازات قرار نداده باشد، مسئول است. دولت در این حالت مسئول اعمال افراد تلقی نمی‌شود، بلکه به سبب قصور ناشی از ترک فعل و یا تقصیری که در تأیید اعمال آنها داشته است مسئول و ملزم به پاسخگویی شناخته می‌شود.^{۴۲}

در برخی مواقع برای استناد اعمال به دولت و مسئول دانستن آن، این تأیید الزاماً پسینی نیست، بلکه می‌تواند با افعال پیشینی تأیید و یا اجازه ضمنی همراه باشد، مانند حکومت نازی‌ها که با عدم‌حمایت حقوقی از یهودیان، تأیید و مجوزی ضمنی بر اقدامات ناقضانه علیه ایشان بودند.^{۴۳} در این زمینه می‌توان بیان داشت که تعهد در عدم‌اتخاذ تدابیر مناسب و یا نداشتن کنترل مؤثر بر سرزمین و قلمروی یک کشور نیز می‌تواند موجب مسئولیت آن گردد.^{۴۴} از این رو، اگر دولت در وضعیتی خاص از اتخاذ اقدامات حمایتی قصور ورزد و تعدی به اشخاص خصوصی واقع شود، در این حالت دولت عملی را انجام داده که با عمل اشخاص خصوصی ناقض، ارتباط دارد. همین بیان در مواردی نیز صدق می‌کند که شخصی تعدی نماید و دولت و ارکان آن از اجرای تعهد بین‌المللی در خصوص تنبیه یا مسترد داشتن آن شخص سر باز زنند.^{۴۵} مسئولیت دولت همچنین می‌تواند در وضعیتی به وجود آید که ارکان آن دولت، ایستاری جانبدارانه نسبت به عمل شخص غیردولتی اتخاذ کنند.

بنابراین گاه دولت به علت تأیید و یا جانبداری از اقدامات اشخاص خصوصی مسئولیت می‌یابد؛ هرچند خود، پدیدآورنده یا خواهان این اعمال نباشد و یا در کنترل و هدایت آن نقشی نداشته باشد. این امری است که در قسمتی از قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت با بیان: «یا رضایت در سازماندهی فعالیت‌ها در سرزمین اش» تبیین شده است. این امر بیانگر ایجاد مسئولیت حتی در حالتی است که با عدم‌مشارکت دولت همراه باشد.

41. Browline Lan, *Principles Of International Law*, (Oxford: Oxford Clarendon Press, 2003), 452

۴۲. آنتونیو کاسسه، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه حسین شریف طراز کوهی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵)، ۳۵۶.

۴۳. در این زمینه پرونده *Islam v. Secretary of State for the Home Department* قابل‌بیان است که در House of Lords به آن رسیدگی شده است. در این پرونده قاضی بیان می‌دارد که گاه دولت‌ها اتخاذ اقدامی علیه اشخاص نمی‌کنند ولی با نداشتن قانون حمایتی از آنها موجبات نقض حقوق بشر آنها را فراهم می‌آورند.

44. Patricia Armstrong, "The World Bank And Human Rights: Policies And Prospects", In: "Human Rights And Non-State Actors", By Thomas McDonnell, Winston P. Nagan. *Pace International Law Review*, 11(1)(1999): 239-249.

۴۵. مانند پرونده لاکربی

علاوه بر این، باید متذکر شد که این مسئولیت ناشی از اعمال اشخاص غیردولتی نیست، بلکه به سبب فعل یا ترک فعل ارکان دولت است. به عبارت دیگر، مسئولیت مزبور ناشی از رفتار جداگانه‌ای است که قابل انتساب به دولت می‌باشد. رفتاری که صرفاً ارتباط با عمل شخص غیردولتی دارد. در واقع عملی که اشخاص در مقام خصوصی انجام می‌دهند، حادثه‌ای خارجی محسوب می‌شود که شرایط مساعد را برای رفتار نادرست دولت فراهم می‌آورد.^{۴۶}

نکته مهم و اساسی دیگری که لازم است توجه شود این است که اثبات معیار کنترل مؤثر و ارائه شواهد و مدارک در این خصوص بسیار دشوار است؛ بنابراین به نظر می‌رسد به کارگیری معیار کنترل مؤثر در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تنها درصدد ایجاد حاشیه امنی برای دولت‌ها است که بتوانند با آموزش و تجهیز و مسلح کردن و درکل حمایت از سازمان‌های غیردولتی، بدون آنکه نگران عواقب بین‌المللی عمل خود باشند، به نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اقدام کنند یا از طریق گروه‌های تروریستی، به کشتار و ایجاد رعب و وحشت دست بزنند. به هر حال اعمال معیار «کنترل کلی» که آستانه پایین‌تری را برای قابلیت انتساب به دولت‌ها ارائه می‌دهد، علاوه بر آستانه پایین، مزایای دیگری هم دارد. اول اینکه به کارگیری این معیار مانع از آن می‌شود که نوعی پراکندگی و دوگانگی در آرا و رویه‌های قضایی به وجود آید و دیگر اینکه دولت‌ها در عرصه بین‌المللی به گونه‌ای عمل نخواهند کرد که مسئولیت آنان در جامعه بین‌المللی مطرح شود؛ بلکه سعی خواهند کرد برای مقررات بین‌المللی احترام بیشتری قائل شوند و در قبال مخاصمات مسلحانه داخلی موضع بی‌طرفانه‌ای اتخاذ نمایند. «مسئولیت این دولت‌ها از بابت اقدامات و اعمال ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ارتكابی توسط سازمان‌های غیردولتی تحت حمایت آنها در چهارچوب مواد ۸ و طرح مسئولیت دولت‌ها و نیز ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو قابل طرح است.»^{۴۷}

به موجب ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌ها، اعمال اشخاص و گروه‌های خصوصی که بنا به دستور، تحت هدایت یا کنترل یک کشور انجام گرفته به آن کشور منتسب است. همان‌طور که ملاحظه شد میزان و درجه کنترلی که دولت اعمال می‌کند، به‌ویژه در محاکم بین‌المللی که دو معیار «کنترل مؤثر و کنترل کلی» را در تفسیر ماده ۸ به کار گرفته‌اند مورد تفسیرهای متفاوتی قرار گرفته است. در پرتوی معیار «کنترل کلی» و تبعیت از رویه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به‌ویژه از آن جهت در اینجا نیز بحث ارتکاب نقض حقوق بشردوستانه در جریان مخاصمه داخلی مطرح است، اثبات مسئولیت دولت‌های حامی سازمان‌های غیردولتی به مراتب آسان‌تر خواهد بود. ارائه کمک برای نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در عمل معمولاً به صورت کمک تسلیحاتی صورت می‌گیرد. تا جایی که استفاده از سلاح‌های مزبور منع نشده باشد، کشور ارائه‌کننده تسلیحات، مسئول نقض‌های حقوق بشردوستانه که با استفاده از این تسلیحات توسط کشور یا گروه‌های مسلح

۴۶. بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، *مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ۶۲-۶۳.

۴۷. علی توکلی طبعی و همکاران، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه)»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۴۹ (۱۳۹۲)، ۸۴.

مخالف دریافت‌کننده ارتکاب می‌یابد، نیست. ولی به‌هرحال، همین که دولت ارائه‌کننده تسلیحات بداند و آگاه باشد که کشور یا گروه‌های دریافت‌کننده با استفاده از آن سلاح‌ها، به‌طور منظم مرتکب نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه می‌شوند، باید انتقال و ارائه سلاح را به دریافت‌کنندگان متوقف کند حتی اگر آن سلاح‌ها قابلیت استفاده مشروع و قانونی نیز داشته باشد. درواقع، همین که کشور ارائه‌کننده سلاح از ارتکاب این نقض‌ها مطلع شود، بدیهی است کمک‌های بعدی به‌منظور تسهیل ارتکاب نقض‌های بعدی صورت می‌گیرد. بنابراین کشوری که با اطلاع از نقض منظم حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی سازمان‌های غیردولتی دریافت‌کننده، همچنان به کمک‌های تسلیحاتی و نظامی خود به آنها ادامه می‌دهد، مرتکب نقض تعهد به تضمین احترام و رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است.

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین نقش‌هایی که دولت‌ها در اعمال اشخاص خصوصی ایفا می‌کنند، کنترل و هدایت اقدامات ایشان است. این اقدامات که عمدتاً در قالب حمایت دولت خارجی از نیروهای شورشی داخلی و یا حمایت دولت متبوع از اقدامات ناقضان داخلی صورت می‌گیرد، همواره با اراده مستقیم دولت در نقض‌ها و اعمال ارتكابی توأم نیست. در بسیاری موارد دولت‌ها از یک روند و سیر عملی یا ایدئولوژیک حمایت می‌کنند که در نتیجه پیاده‌سازی این طریق، ممکن است نقض‌هایی نیز ارتکاب یابد. رویه حقوق بین‌الملل بر مسئول دانستن دولت‌ها در حمایت از روند فعالیت اشخاصی است که دولت‌ها به حمایت از آنها پرداخته‌اند، اما الزاماً اقدامات ناقضانه آنها را متوجه دولت‌ها نمی‌داند. یکی از مهم‌ترین منابعی که در این زمینه وجود دارد، رأی مشهور نیکاراگوئه و نقش آمریکا در آن است. در این پرونده، دیوان بین‌المللی دادگستری در پی تشخیص میزان مسئولیت دولت آمریکا در حمایت از کنتراها و میزان انتساب این اعمال به دولت آمریکا، به عامل «کنترل مؤثر» استناد کرد. از نظر دیوان، نیروهای کنترا می‌توانستند بدون کنترل ایالات متحده نیز مرتکب چنین اقداماتی گردند. دیوان، در ادامه، به ضابطه کنترل مؤثر اشاره و بیان می‌کند مسئولیت حقوقی ایالات متحده زمانی قابل طرح است که ثابت شود این کشور بر عملیات منجر به نقض حقوق بشر و بشردوستانه کنترل مؤثری داشته است. در برخی موارد با احراز شرایطی می‌تواند، اعمال اشخاص خصوصی را به دولت منتسب نمود و آن حالتی است که دولت در اعمال اشخاص خصوصی به نحوی مداخله نموده باشد؛ به‌طوری‌که عمل آنها را به خود منتسب نماید. در طرح پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت، مواردی چون دستور، هدایت و کنترل دولت بر اشخاص خصوصی، تأیید و پذیرش اعمال آنها، واگذاری برخی اقتدارات دولتی به آنها و از همه روشن‌تر استخدام آنها در ارگان‌های خود، از مواردی است که می‌تواند زمینه انتساب اعمال بازیگران غیردولتی را به یک دولت منتسب نماید. همان‌طور که مشاهده شد در برخی مواقع حتی اعمال فراتر از دستور یا خارج از حیطه اختیارات واگذار شده از سوی دولت به اشخاص خصوصی نیز به دولت منتسب می‌شود؛ و در برخی مواقع درخصوص آستانه کنترل دولت بر اشخاص خصوصی جهت منتسب شدن اعمال آنها به دولت میان مراجع بین‌المللی اختلاف نظر می‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- توکلی طیبسی، علی، فرنگیس منصوری، محمدتقی رضایی و توکل حبیب‌زاده. «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه)». مجله حقوقی بین‌المللی. ۴۹(۱۳۹۲): ۶۱-۹۶.
- حلمی، نصرت‌الله. مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی. تهران: میزان، ۱۳۸۷.
- خمیس، احمد علی. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در کمک به گروه‌های شورشی در سوریه. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۳.
- راعی، مسعود. مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال رفتار افراد و گروه‌ها در پرتو رویه قضایی. تهران: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۳.
- عسکری، پوریا. «مسئولیت بین‌المللی افراد و دولت‌ها در پرتو ضابطه کنترل»، مجله حقوقی، ۴۰(۱۳۸۸): ۱۳۱-۱۴۹.
- کاسسه، آتونویو. حقوق بین‌الملل. ترجمه حسین شریف طراز کوهی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
- مستقیمی، بهرام و طارم سری مسعود. مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ملکی زاده، امیرحسین. تحلیل مفهوم قابلیت انتساب مسئولیت بین‌المللی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری. راهبرد ۶۴(۱۳۹۱): ۲۴۹-۲۹۲.
- ملکی زاده، امیرحسین. «ضابطه کنترل در نظام مسئولیت بین‌المللی؛ وحدت یا تعارض رویه قضایی بین‌المللی»، حقوقی دادگستری ۸۲(۱۳۹۲): ۱۶۱-۱۹۱.
- والاس، ربه کا. حقوق بین‌الملل. ترجمه محمد شریف. تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.

ب) منابع خارجی

- Becker, Tal. *Terrorism And The State: Rethinking The Rulse Of State Responsibility*, Oxford: Hart Publishing, 2006.
- Boyle, Alan E. "State Responsibility And International Liability For Injuries Consequences Of Acts Not Proh Ibi Ted By International Law A Necessary Distinction". *International And Comparative Law Quarterly*. 39(2006): 86-93.
- Crawford, James. *The International Law Commission's Articles On State Responsibility: Introduction, Text And Commentaries*. london: Cambridge University Press, 2002.
- Clapham, Andrew. "Human rights obligations of non-state actors in conflict situations", *International Review of Red Cross* 863(2006), 214.
- De Frouville, Olivier. "Attribution Of Conduct To The State: Private Individuals", In *The Law Of International Responsibility*. ed. J. Crawford, A. Pellet and S. Olleson. Oxford: Oxford University Press, 2010.

Fortune Fay, Thomas and Jane Carol Norman. *Flatow, Plaintiff-Appellant, The Islamic Republic Of Iran*. United States: Court Of Appeals: Ninth Circuit, 2002.

G. Cahin. "The Responsibility Of Other Entities: Armed Bands And Criminal Groups" In *The Law Of International Responsibility*. ed. J. Crawford, A. Pellet and S. Olleson. Oxford: Oxford University Press, 2010.

Lan Browline. *Principles Of International Law*. Oxford: Clarendon Press, 2003.

Genocide case. "Application of the convention on the prevention and punishment of the crime of genocide". ICJ reports, Bosnia & Herzegovina v. Serbia & Montenegro: 2007.

Nicaragua Case. "Military And Paramilitary Activities In And Against Nicaragua". I.C.J Reports, Nicaragua V. United States Of America, 1986.

Nielsen, Elizabeth. "State Responsibility For Terrorist Groups". *Davis Journal International Law* 1(2011): 89-102.

Novak, Manfred. *Torture By Non-State Actors, Towards Enhanced Protection, Accountability And Effective Remedies, By Redress*. London: Oxford: University Press, 2006.

Patricia Armstrong, "The World Bank And Human Rights: Policies And Prospects", in: "Human Rights And Non-State Actors", By Thomas McDonnell, Winston P. Nagan, *Pace International Law Review* 1(1999): 239-249.

Peytchev, Alexandre. *Perspective on The Fight Against International Terrorism*. Belgium: Faculty of Law Ghent University, 2013.

Trapp, Kimberley N. *State Responsibility For International Terrorism Problems And Prospects*. Oxford: Oxford University Press, 2011.

Vark, Rene. "State Responsibility for Private Armed Groups in The Context of Terrorism". *Juridical International* 11(2006): 54-89.

Wolfrum, Rüdiger. *State Responsibility For Private Actors: An Old Problem Of Renewed Relevance*. London: Cambridge University Press, 2008.